

بهره‌کشی آشکار از کودکان افغانستانی در ایران

Photo: JungHyun Lee/www.shutterstock.com

راضیه امیری

«احد و» صمد»، دو کودک افغانستانی بودند که بر اثر انفجار کپسول گاز در کارگاه تفکیک زباله، در آتش سوختند و جانشان را از دست دادند. آنها جزء هزاران کودک مهاجری بودند و هستند که در خیابان‌ها و کارگاه‌های ایران [کار می‌کردند](#) و پول به خانه می‌بردند.

اجبار کودکان به کار و در واقع بهره‌کشی از کودکان، بدون تردید نوعی خشونت خانگی علیه آنان است، اما وضعیت کودکان مهاجر افغانستان در ایران از این لحاظ بسیار وخیم‌تر است. برخی از این کودکان در ایران با خانواده‌های خود زندگی می‌کنند. احد و صمد نیز با خانواده‌هایشان زندگی می‌کردند. به گفته «گل پری»، مادر صمد، احد و صمد تازه یک هفته بود که همراه با پدر خود کار می‌کردند: «ما پول نداشتیم که آنها را به مدرسه بفرستیم.»

برخی از این کودکان نیز تنها و بدون حضور خانواده در ایران زندگی می‌کنند، پدر و مادرهایشان آنها را به ایران فرستاده‌اند تا کار کنند و دستمزد هر روزه نیز به خانواده‌شان تحویل داده می‌شود. «صبغت‌الله»، یکی از این کودکان که در یکی از مراکز بازیافت زباله در کرج کار می‌کند، درباره مهاجرت خود به ایران و وضعیت خود به خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) [می‌گوید](#): «فاچاقی آمدیم ایران. روزی ۰۳-۰۲ هزار تومان مزد می‌گیریم اما مزدمان را به خودمان نمی‌دهند. می‌فرستند برای خانواده.»

این کودکان اغلب حتی تصور درستی از وضعیت خود ندارند. معمولاً جواب سوال‌ها را با «چه کنیم؟» می‌دهند و هیچ درکی ندارند از مشکلی که کودکی آنان را از آنها گرفته.

این [گفت‌وگویی](#) «رحم‌الدین» با خبرگزاری ایسنا است:

- زمستان سرد نیست؟

- دیگه چه کار کنیم؟

- افغانستان بهتر بود یا اینجا؟

- افغانستان بهتر بود.

- چرا بر نمی‌گردی؟

- کار نیست.

- اینجا چه مشکلی دارید؟

- مشکل که نداریم...

بیشتر بخوانید:

[نسبت حاشیه‌نشینی با خشونت خانگی علیه کودکان](#)

[افشای خشونت خانگی: خطوط مرزی و تردیدها](#)

[چه کسانی دختران را خانه‌نشین می‌خواهند؟](#)

«جاوید سبحانی»، پژوهشگر اجتماعی از افغانستان، فقر و نداری را یکی از عوامل اصلی اجبار به اشتغال کودکان افغانستانی ساکن ایران می‌داند و به دویچه‌وله [می‌گوید](#): «معمولاً خانواده‌ها چون تحت فشار اقتصادی هستند دست به انتخاب می‌زنند. خانواده‌های افغان ترجیح می‌دهند روی بچه‌هایشان به عنوان منبع درآمد حساب کنند تا اینکه روی آینده آنها سرمایه‌گذاری اجتماعی کنند و آنها را به مکتب

به گفته سبحانی، در مورد مشکل افغانستانی‌های مهاجر برای تحصیل در ایران نیز خود یک مجال مستقل برای طرح موضوع می‌طلبد.

بی‌مسئولیتی نهادهای مسئول در جمهوری اسلامی

کودکی کردن این بچه‌ها که ذکرشان رفت، فاصله زیادی با استانداردهای بین‌المللی دارد. در سال ۳۷۳۱ ایران به پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک پیوست و تعهدات مربوط به کودکان خارجی بی‌سرپرست یا بد سرپرست را به صراحت پذیرفت.

بند دوم ماده ۲۲ این پیمان‌نامه می‌گوید: «کشورهای طرف کنوانسیون بنا به صلاحدید خود با سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی یا غیردولتی ذی‌صلاح که با سازمان ملل کار می‌کنند، در جهت حمایت و مساعدت از این گونه کودکان و ردیابی والدین یا سایر اعضای خانواده کودکان پناهنده و برای کسب اطلاعات لازم برای به هم پیوستن مجدد اعضای خانواده همکاری خواهند کرد. در صورتی که موفق به یافتن والدین یا سایر اعضای خانواده نشوند، با کودک همان گونه که در این کنوانسیون اظهار شده، درست مانند کودکی که به طور موقت یا دائم از محیط خانوادگی به هر دلیل محروم شده، رفتار خواهد شد.»

در قوانین ایران نیز ماده ۹۷ قانون کار، اشتغال کودکان زیر ۵۱ سال را ممنوع دانسته است، اما جمهوری اسلامی نه تنها از این ممنوعیت محافظت نمی‌کند و حمایت قانونی موثری از این کودکان به عمل نمی‌آورد، که حتی نهادهای دولتی مانند شهرداری، از کودکان به ویژه کودکان افغانستانی که آسیب‌پذیرتر هستند، بهره‌کشی نیز می‌کنند.

«عبدالله»، اهل هرات، در صحبت با یکی از فعالان حقوق کودک می‌گوید: «شهرداری پول می‌دهد ما اینجا زندگی کنیم. لباس هم داده. ببین!»

همه بچه‌ها یک لباس فرم نارنجی و سیاه بر تن دارند و در راستای تفکیک زباله‌ها مشغول هستند. این اما به معنی به رسمیت شناختن یک فاجعه است. کودکانی که قربانی بهره‌کشی و خشونت خانگی و حتی مهاجرت اجباری می‌شوند، نه تنها از حمایت قانونی بهره‌مند نیستند، بلکه نهادهای دولتی مانند شهرداری از آنها سوء استفاده نیز می‌کنند.

وضعیت برای این کودکان چنان دشوار است که بعضاً در هیچ مقیاس و طبقه‌بندی‌ای قرار نمی‌گیرند. «نادر طالبی»، فعال حقوق کودک تجربه‌ای گویا در باره این مسئله دارد: «همکارهای من رفته بودند (کارگاهی در تهران) و پرسیده بودند که آیا در این جا بچه‌ای هست که کار بکند؟ صاحب کارگاه می‌گفت: نه! در حالی که سه بچه جلوی خود آن‌ها داشتند کار می‌کردند. دوستان پرسیده بودند: پس این بچه‌ها چه هستند؟ او گفته بود افغانی‌اند!»

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

اگرچه هیچگاه عدد و رقم دقیقی از آمار کودکان کار در ایران منتشر نشده است، اما «احمد خاکی»، معاون امور اجتماعی بهزیستی استان تهران، گفته است حدود ۰۷ درصد کودکان کار در ایران اتباعی هستند که بیشتر آنها از کشور افغانستان آمده‌اند.

بهزیستی و مسئولیت فراموش شده

نکته اما اینجاست که سازمان بهزیستی صراحتاً اعلام کرده است در ساماندهی این وضعیت تفاوتی بین کودک ایرانی و غیرایرانی نمی‌گذارد. «حبیب‌الله مسعودی فرید»، معاون اجتماعی سازمان بهزیستی در سال ۶۹، با اشاره به وضعیت بد خانواده‌های بسیاری از این کودکان، به سوءاستفاده این خانواده‌ها و بهره‌کشی آنان از کودکان اشاره کرده و گفته است: «در این حالت باید این خانواده‌ها را سلب صلاحیت کنیم و کودکانشان را با انتقال به بهزیستی تحت حمایت قرار دهیم. این کودکان چه ایرانی و چه غیر ایرانی باشند تفاوتی برای سازمان بهزیستی وجود نخواهد داشت. بنابراین کودکانی که ایرانی نیستند با حمایت‌های وزارت امور خارجه مورد رسیدگی قرار خواهند گرفت.»

به نظر می‌رسد اگر بهزیستی واقعاً چنین رویکردی دارد، جدای از مقابله با خانواده‌ها باید به مقابله با نهادهای دولتی همچون شهرداری تهران نیز برخیزد که این گونه از کودکان بهره‌کشی نکند. اگرچه برخی منتقدان، منتقد رفتار خود سازمان بهزیستی هم هستند. به گفته آنان بهزیستی که یکی از وظایف اصلی‌اش حمایت از کودکان بد سرپرست و حمایت از کودکان در مقابل خشونت است، کاری برای این کودکان نمی‌کند.

[به گفته» ملیحه میرجعفری»، یکی از مدیران «جمعیت امام علی»، دو ماه پیش از فوت احد و صمد، بهزیستی آنان را در حال دست‌فروشی می‌گیرد اما بچه‌ها را به پدرشان تحویل می‌دهد. این کودکان که هفت و هشت ساله بودند، از هیچ حمایت قانونی و اجتماعی‌ای برخوردار نشدند و در نهایت نیز قربانی شرایط کودک‌ستیزانه در ایران شدند.](#)

این شرایط نشان می‌دهد که برای بهبود وضعیت کودکان مهاجر افغانستانی که در خیابان‌های ایران روز را به شب می‌رانند، بیش از هر چیز نقش دولت حیاتی است. به نظر می‌رسد از نظر قانونی نارسایی چندانی وجود نداشته باشد، اما ضمانت اجرای این قوانین است که مسئله است. به عنوان مثال، ضروری است که بهزیستی تا از سلامت خانواده مطمئن نشده است، بچه‌ها را به خانواده‌شان بازنگرداند.